

در باره زندگی رفیق شهید،

شاهرخ زند کریمی



درباره زندگی رفیق شاهرخ زند کریمی

در ۲۸ آبان ۱۳۶۱ دژخیمان جمهوری اسلامی رفیق شاهرخ زند کریمی یکی از یاران فراموش نشدنی چریک‌های فدایی خلق را در سنندج اعدام نمودند. او رفیقی بود که با همه وجود به دیدگاه‌ها و تحلیل‌های رفیق مسعود احمدزاده تئوریسین چریک‌های فدایی خلق ایران باور داشت. رفیق شاهرخ از جمله رفقای بود که در همان اوایل قدرت‌گیری دار و دسته خمینی نقشی اصلی در شکل‌گیری گروهی از هواداران چریک‌های فدایی خلق ایران در سنندج را داشت که تحت نام "جانب‌داران چریک‌های فدایی خلق" فعالیت می‌کردند.

از همان نوجوانی که رفیق شاهرخ در یکی از دبیرستان‌های سنندج درس می‌خواند وی به آگاهی سیاسی دست یافته بود. به همین دلیل وقتی پس از پایان دوره تحصیلات دبیرستانی برای ادامه تحصیلات به دانش‌سرای تربیت معلم پیوست او از جمله افراد مبارزی بود که در سازمان‌دهی اعتراضات دانشجویی در این دانش‌سرا در زمان رژیم جنایت‌کار شاه نقش داشت. همین امر باعث شد ساواک وی و چند دانشجوی دیگر را به اتهام رهبری این اعتراضات و نیز شعارنویسی در دانش‌سرا احضار کند.

رفیق شاهرخ در سال‌های ۵۴-۵۵ با تعدادی از یارانش محفلی تشکیل داد که طرفدار سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران بودند. در جریان فعالیت‌های این محفل برنامه‌های آنها از جمله آتش زدن ماشین رییس ساواک، لو می‌رود و او همراه با سه رفیق دیگرش دستگیر می‌شوند اما با توجه به اوضاع سیاسی در سال ۵۶ یعنی شرایطی که اعتراضات دانشجویی و مردمی در حال اوج‌گیری بود و کشور به سوی

انقلابی مردمی پیش می‌رفت و البته فقدان هر گونه مدرکی آنها پس از حدود یک ماه بازداشت آزاد می‌شوند. این از اولین تجربه‌های شاهرخ در برخورد مستقیم با ساواک جنایت‌کار شاه بود که درکش از دشمن را هر چه واقعی‌تر نمود.

پس از آزادی، خانواده شاهرخ وی را جهت ادامه تحصیل به آمریکا می‌فرستند اما او به جای تحصیل در آمریکا به فلسطین می‌رود تا آموزش‌های لازم جهت ادامه مبارزه انقلابی را فرا گیرد. این امر همزمان می‌شود با اوج‌گیری انقلاب در ایران؛ به همین دلیل هم وی خیلی زود از فلسطین به ایران باز می‌گردد تا در جریان خود انقلاب، امر انقلاب را فرا گیرد.

رفیق شاهرخ به محض ورود به ایران و حضور در سنندج با توجه به فضای کاملاً انقلابی جامعه و قیام توده‌ها علیه رژیم وابسته به امپریالیسم شاه و با توجه به اعتقادش به تئوری مبارزه مسلحانه و نظرات رفیق مسعود احمدزاده فوراً مبادرت به تشکیل هسته‌های مبارزاتی و مطالعاتی نموده و با تسخیر خانه‌ی یکی از ساواکی‌های معروف سنندج آن خانه را به کتاب‌خانه‌ی ای به نام "کتابخانه شهید احمدزاده" تبدیل می‌کند. این درست در زمانی بود که سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران به اعتبار گذشته‌ی انقلابی‌اش از نفوذ قابل توجهی برخوردار شده و با استقبال توده‌ای مواجه گردیده بود. اما با توجه به غلبه خط اپورتونیستی بر این سازمان و ضربات سنگینی که در سال ۵۵ از طرف ساواک وارد آمد و بسیاری از کادرهای با تجربه سازمان جان باختند، اعضای باقیمانده در آذر ۵۶ طی اعلامیه‌ای فتواگونه خط انقلابی چریک‌های فدایی خلق که بر اساس نظرات رفیق احمدزاده بود را تحت عنوان خطی "چپ‌روانه" کنار گذاردند؛ به همین دلیل سازمان مذکور در شرایط قیام و قدرت‌گیری دار و دسته خمینی مواضعی سازش‌کارانه در مقابل آنها اتخاذ نمود. اما رفیق شاهرخ که بر اساس اعتقاداتش از همان آغاز هیچ توهمی نسبت به دار و دسته خمینی و جمهوری اسلامی نداشت و همچون رژیم شاه آنها را هم در تقابل با منافع و خواست‌های کارگران و ستم‌دیدگان می‌دید خیلی زود با یاری هم‌فکرانش "کتابخانه شهید احمدزاده" را به مرکزی جهت مطالعه و تبلیغ مشی مسلحانه و جمع‌آوری نیرو و تلاش جهت سازمان‌دهی این نیروها تبدیل نمود. فعالیت‌هایی که به خصوص در محله شریف آباد سنندج به جذب جوانان و نیروهای بسیاری به سوی این رفقا انجامید.

با یورش ارتش ضد خلقی به سنندج و خونین کردن نوروز این مردم مبارز آن هم در به اصطلاح "بهار آزادی"، جانب‌داران به خصوص در محله شریف‌آباد سنندج همراه با مردم شهر به مقابله با ارتش برخاستند؛ و به دنبال عقب‌نشینی ارتش تا ۲۸ مرداد ۵۸ و اعلام جهاد خمینی جنایت‌کار علیه خلق رزمنده کرد "کتابخانه شهید احمدزاده" به فعالیت‌های مبارزاتی خود ادامه داد و هر چه بیشتر با مردم درآمیخت. به دنبال اعلام موجودیت چریک‌های فدایی خلق در تقابل با سازمانی که به ناحق این نام را با خود حمل می‌کرد و ایجاد ارتباط با این رفقا در سنندج، رفیق شاهرخ و دیگر هم‌زمانش کتابخانه شهید احمدزاده را به مقر "جانب‌داران چریک‌های فدایی خلق" تبدیل نمودند. جانب‌داران چریک‌های فدایی خلق یک نیروی انقلابی در سنندج بودند که با ایجاد واحدهای سیاسی-نظامی عملیات‌های مختلفی را علیه مزدوران جمهوری اسلامی سازمان داده و برخی از آنها را از صحنه نبرد علیه خلق کرد خارج ساختند. این رفقا همچنین مواضع و دیدگاه‌های خود و اعلامیه یا نوشته‌هایی که از تشکیلات چریک‌های فدایی خلق به دست‌شان می‌رسید را در منازل مردم وسیعاً پخش و تبلیغ می‌نمودند. جانب‌داران چریک‌های

فدایی خلق همچنین در مقاومت کامیاران و مبارزه علیه خوانین منطقه‌ی "کرفتوی" سقز همراه با سایر نیروهای مبارز شرکت فعال داشتند.

به دنبال حکم جهاد خمینی علیه خلق کرد، خمینی قاضی طناب دار خود یعنی صادق خلخالی را به کردستان فرستاد تا با اعدام‌های وحشیانه و بدون هرگونه دادرسی، فضای رعب و وحشت را در کردستان حاکم کند. در جریان این اعدام‌ها خلخالی در فرودگاه سنندج بیش از ده نفر از رفقای دلیر جانب‌داران از جمله رفیق امجد مبصری را اعدام نمود و جنایتی آفرید که چون لکه ننگی ابدی بر پیشانی جمهوری اسلامی باقی مانده و باقی خواهد ماند.

به دنبال استقرار پیشمرگان چریک‌های فدایی خلق در روستای ملک‌شاه تعدادی از جانب‌داران به این مقر منتقل شده و از نزدیک به همکاری با رفقای تشکیلات پرداختند. همچنین تا قبل از دستگیری شاهرخ در سال ۶۱ آنها به فعالیت‌های سیاسی و نظامی در داخل سنندج و بیرون شهر ادامه می‌دادند. متأسفانه مزدوران جمهوری اسلامی سرانجام موفق شدند رفیق شاهرخ را در نزدیکی سالن تختی شهر سنندج در حالی که در حال تدارک برای انجام یک عملیات انقلابی بود شناسایی و دستگیر کنند. به گزارش شاهدان واقعه این رفیق حتی در زمان دستگیری نیز از شعار دادن باز نماند و با فریاد مرگ بر جمهوری اسلامی و زنده باد طبقه کارگر صحنه پر شوری از مقاومت یک کمونیست وفادار به نظرات رفیق مسعود احمدزاده آفرید. دوران شکنجه و بازجویی این کمونیست انقلابی خود فرارز دیگری از زندگی سراسر مبارزه وی می‌باشد.

به گزارش هم‌بندیان و شاهدان زنده، او در جریان شکنجه‌های وحشیانه‌ای که بر وی اعمال می‌شد هیچ اطلاعاتی به دشمن نداد و همواره با فریاد "مرگ بر خمینی" و "مرگ بر جمهوری اسلامی" و "زنده باد طبقه کارگر" با بازجویان و در واقع دژخیمان خود مواجه می‌شد.

به دنبال دستگیری شاهرخ رفقا تلاش کردند با دستگیری یکی از مسئولان سپاه، وی را با شاهرخ معاوضه کنند که این تلاش به موفقیت نیانجامید و دشمن رفیق شاهرخ را در ۲۸ آبان سال ۶۱ اعدام نمود. به این ترتیب طبقه کارگر قهرمان ما یکی از حامیان پیگیر خود و چریک‌های فدایی خلق یکی از یاران آگاه، مبارز و وفادار و مقاوم خود را از دست دادند. رفیق شاهرخ به هنگام شهادتش تنها ۲۳ سال داشت.

یاد رفیق شاهرخ زند وکیلی گرامی و راهش پر رهرو باد!